

اتهام:افسادی الارض اعدام یکی دیگر از متهمان اعتراضات ۱۴۰۱ در ارومیه



در پی اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در ارومیه بازداشت شده بود روز یک‌شنبه اعدام شد.به گزارش میزان، نامبرده و دو متهم زیر ۱۸ سال دیگر متهم به ضرب و شتم منجر به فوت یک کشاورز بودند که به‌عنوان نیروی داوطلب مردمی در حوادثدی ماه حضور داشته‌است.عبدالله زاده به‌اتهام افسادی الارض به‌اعدام محکوم و دو فرد زیر ۱۸ سال دیگر به حبس و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم شدند.



تشکیل پرونده قضایی برای عوامل تهیه‌کننده از کلیپ ناهنجار در کیش

داستان عمومی و انقلاب کیش اعلام کرد:در پی انتشار یک کلیپ ناهنجار هوش مصنوعی در فضای مجازی، با دستور مقام قضایی پرونده‌ای در این خصوص تشکیل شده

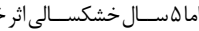
و شناسایی و بر خور د قانونی با عوامل تهیه و انتشار آن در دستور کار قرار گرفته است. به گزارش قوه قضاییه، پس از بررسی هافنی مشخص شد کلیپ منتشر شده تلفیقی از یک کلیپ اصلی و هوش مصنوعی است. دادستان کیش همچنین از صدور دستور پلمپ کافه‌ای که از این کلیپ استفاده تبلیغاتی کرده بود خبر داد.



سرخنگوی آبیای تهران:

آب سدها ۹۰ میلیون مترمکعب کمتر از بارسال است

سرخنگوی آبیای تهران گفت: با وجود بارندگی های اخیر، ذخایر سدها ۹۰ میلیون متر مکعب کمتر از سال خشک گذشته است. سرانه مصرف ۲۵ لیتر کاهش یافته، اما ۵ سال خشکسالی اثر خود را گذاشته است. به گزارش خبرگزاری دانشجو، بهنام بخشی اعلام کرد: بارندگی ها خوب بوده تا ۱۰ اردیبهشت ۱۶۶ میلی متر بارندگی داشتیم، اما باید ۲۵۶ میلی متر دریافت می کردیم.وی خاطر نشان کرد: در این واکر یک بارندگی خیلی خوب، وسیل آسایشیم، اما نباید فراموش کنیم که از اول پاییز تا ۲۰ دوسه میلی متر بارندگی داشتیم.



اما ۵ سال خشکسالی اثر خود را گذاشته است. به گزارش خبرگزاری دانشجو، بهنام بخشی اعلام کرد: بارندگی ها خوب بوده تا ۱۰ اردیبهشت ۱۶۶ میلی متر بارندگی داشتیم، اما باید ۲۵۶ میلی متر دریافت می کردیم.وی خاطر نشان کرد: در این واکر یک بارندگی خیلی خوب، وسیل آسایشیم، اما نباید فراموش کنیم که از اول پاییز تا ۲۰ دوسه میلی متر بارندگی داشتیم.

آغاز فعالیت دبیرستان های پلیس و محیط زیست

سرخنگوی فراجا آغاز فعالیت دبیرستان های پلیس در سطح کشور برای سال تحصیلی ۱۴۰۶-۱۴۰۶ خبر داد. به گزارش رکنک، سردار منتظرالمهدی در این

خصوص گفت: دبیرستان های پلیس، از بین دانش آموزان مستعد

پسر، با توجه به شرایط عمومی و اختصاصی، جهت ورود به مقطع دوم متوسطه در رشته های نظری (علوم تجربی، ریاضی فیزیک و علوم انسانی) ثبت نام می کنند. در مرحله نخست، جذب در استانهای تهران البرز و قزویم و در ادامه، فرایند پذیرش در کل کشور نیز انجام خواهد شد. همچنین وزیر آموزش و پرورش از برنامه ریزی برای ایجاد هنرستان های فنی و حرفه ای و کار دانش در حوزه محیط زیست خبر داد و گفت با بهره گیری از ظرفیت مدارس و فضاهای آموزشی موجود، آموزش های مهارتی و عملی در حوزه طبیعت و منابع طبیعی گسترش می یابد تا سسل آینده با فرهنگ حفاظت از محیط زیست تربیت شود. علیرضا کافلی توسعه آموزش های مهارتی در مدارس را گامی مؤثر برای تقویت فرهنگ حفاظت از طبیعت دانست و تصریح کرد: آموزش های تخصصی در قالب هنرستان ها می تواند دانش آموزان را با مهارت های مرتبط با منابع طبیعی، مدیریت محیط زیست و حفاظت از اکوسیستم ها آشنا کند.



آخرین وضعیت جبران خسارات وسایل نقلیه و ساختمان های آسیب دیده از جنگ، در تهران

رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، گفت: ارزیابی ها در بخش خسارات به اثاثیه منازل در جنگ، منوط به اعلام سیاست ها از سوی دولت است

و باید منتظر ماند تا دولت سیاست های خود را در این زمینه اعلام

کند. به گزارش ایلنا، علی نصیری با اشاره به خسارات جزئی ۳۸ هزار و ۱۷۹ واحد مسکونی در تهران طی جنگ، مضان اظهار کرد: جبران خسارات شامل تعویض شیشه، درب و پنجره در بیش از ۸۰ درصد از این واحدها انجام شده و مابقی نیز در حال انجام است. رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران با بیان اینکه بر اساس ارزیابی های بیش از هفت هزار و ۳۰۰ واحد نیز دچار خسارات متوسط شدند، خاطر نشان کرد: پس از ارزیابی ها جبران خسارات در این واحدها نیز آغاز شد؛ تاکنون ۱۰ درصد پیشرفت داشته و روند بازسازی در این بخش ادامه دارد.



خودروی لاکچری یک راننده اسنپ در تهران سوژه شد

تصویری از کاربرد توییتری به نام «محمد کشاورزی» از یک ماشین لاکچری که به عنوان اسنپ مشغول فعالیت است، توجه کاربران فضای مجازی را به خود جلب کرده.

اودر این باره نوشت: «سنپ گرفتن تاکسی شاسی بلند برقی اومد

۱۱۰ تومن از کم تر شهر به محدمه و تک، چچوری برایشون با این ماشین مصرفه آخه.» نظرات مختلفی درباره این عکس بیان شده است؛ برخی از صاحب خودرو به به خاطر کار در اسنپ، آن هم با این قیمت های تعدیل شده به علت افزایش شمار رانندگان متقاضی انتقاد کردند. اما تعدادی هم در حمایت از راننده های کاررانه نوعی فرار از بیکاری و عدم حضور در منزل تلقی کردند.

ساختاری در مدیریت آب است. در حوضه ارومیه، با وجود هزینه های سنگین و تشکیل ستادهای متعدد، مصرف آب در بخش کشاورزی به‌طور جدی کنترل نشد. الگوی کشت تغییر نکرد یا بسیار کند پیش رفت. چاه‌های غیر مجاز همچنان فعال ماندند.

در نتیجه، هر بار که بارندگی خوب بوده، دریاچه کمی جان گرفته؛ اما چون فشار مصرف کم نشده، این جان گرفتن دوام نداشت. است. موضوعی که در هامون به دلیل توجه کمتر به بدان شدیدتر است. در اینجاست که به اعتقاد کارشناسان یکی از نقدهای جدی به سیاست‌های احیای منابع آبی در ایران، «همایش شدن» آن‌هاست. یعنی تمرکز بر نتایج کوتاه‌مدت و قابل نمایش، به جای اصلاحات عمیق و زمان‌بر.

افزایش تراز آب، تصویری است که به راحتی می‌توان آن را به‌عنوان موفقیت معرفی کرد. اما سؤال مهم این است: این افزایش، نتیجه چه بوده؟ بارش یا مدیریت؟

در بسیاری از موارد، پاسخ روشن است و همین، اعتبار سیاست‌گذاری را زیر سؤال می‌برد. وقتی یک سیستم، موفقیت خود را به پدیده‌ای وابسته می‌کند که خارج از کنترل اوست (مثل بارش)، در واقع چیزی را مدیریت نکرده است.

امیدی که روی آب بنا شده

برای مردم سیستان، احیای هامون فقط یک موضوع محیط‌زیستی نیست؛ مستقیماً به معیشت گره خورده است. صیادی، دامداری، و حتی بخشی از کشاورزی منطقه به حیات تالاب وابسته‌اند.

در سال‌های خشکسالی، مهاجرت افزایش یافت، بیکاری گسترده شد و بسیاری از خانوارها به کمک‌های حمایتی وابسته شدند. حالا با بازگشت آب، یک فرصت کوتاه‌مدت برای احیای این اقتصاد شکل گرفته است.

اما این فرصت، شکننده است. اگر آب پایدار نباشد، این رونق هم دوام نخواهد داشت. تجربه نشان داده که اقتصادهای وابسته به منابع ناپایدار، بیش از آنکه توسعه ایجاد کنند، نااطمنانی را تشدید می‌کنند.

از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین کارکردهای هامون، مهار کانون‌های گردوغبار است. در سال‌های خشک، این منطقه به یکی از اصلی‌ترین منابع تولید ریزگرد تبدیل شد؛ نه فقط برای سیستان، بلکه برای بخش‌هایی از شرق کشور.

حالا با آبیگری تالاب، این کانون‌ها موقتاً مهار شده‌اند. کیفیت هوا بهبود یافته و فشار بر سلامت مردم کاهش پیدا کرده است. اما این هم وابسته به تداوم آب است. اگر تالاب دوباره خشک شود، همان چرخه تکرار خواهد شد.

*راهی که نه رفته ایم

کارشناسان، راه حل‌ها را سال‌هاست گفته‌اند: مدیریت یکپارچه منابع آب، اصلاح الگوی کشت، کنترل برداشت‌های زیرزمینی، سرمایه‌گذاری در بهره‌وری، و مهم‌تر از همه، دیپلماسی فعال آبی. اما مسأله این است که این راه‌حل‌ها، هزینه سیاسی دارند. کاهش مصرف آب در کشاورزی، به معنای تغییر در معیشت بخشی از جامعه است؛ چیزی که بدون برنامه‌حیاتی و جایگزین، به راحتی قابل اجرا نیست.

در نتیجه، سیاست‌گذار اغلب راه ساده‌تر را انتخاب کرده: ادامه وضع موجود، با امید به بارش. اما مخلص کلام اینکه هامون دوباره آب دارد. جنگ خیر خوبی است آن هم در این روزهای جانکاه اینج و تعلق و غم. حتی اگر موقتی باشد. برای مردمی که سال‌ها در خشکی زیسته‌اند، همین هم غنیمت است. اما اگر این تصویر، ما را از واقعیت دور کند، خطرناک می‌شود.

تجربه ارومیه جلوی چشم ماست: احیای بدون اصلاح، دوام ندارد. اگر مدیریت آب تغییر نکند، اگر دیپلماسی فعال نشود، و اگر مصرف کنترل نشود، این آب هم خواهد رفت.

آن وقت دوباره همان تصویر آشنا بر می‌گردد: قایق‌هایی که روی خاک مانده‌اند، نیازهایی که سوخته‌اند و مردمی که باید دوباره با گردوغبار کنار بیایند.



هامون زنده است، اما بدون حق آبه دوباره می میرد

رقص قایق‌ها در تالاب، تصویری از امید در دل غبار



در سال‌های اخیر عددش خیلی بیشتر شده بود) و طوفان‌های گردوغبار دست‌وپنجه نرم کرده‌اند، همین چند ماه آب هم شبیه معجزه است. صیادان دوباره به تور پهن کرده‌اند و دامداران، با احتیاط، چشم به احیای مراغه دوخته‌اند.

اما همین جایباید مکت کرد. این آب، نه حاصل یک سیاست‌گذاری پایدار، بلکه نتیجه یک اتفاق اقلیمی است؛ بارش‌های مقطعی در افغانستان و رها شدن سیلاب‌ها. یعنی همان الگویی که پیش‌تر هم دیده‌ایم: آب می‌آید، شادی می‌آید و بعد دوباره خشکی.

احیای طبیعی یا تصادفا اقلیمی؟

آنچه امروز در هامون می‌گذرد، شباهتی غربی به وضعیت دریاچه ارومیه در ماه‌های اخیر و سال‌های گذشته دارد. امسال نگیں فیروزه‌ای آذربایجان نیز به لطف بارش‌های بهار، جانی دوباره گرفت و تصاویر قایق‌سواری در آن، فضای مجازی را پر کرد. اما تاریخچه ما می‌آموزد که نباید فریب این خاک گرفته‌شان را به آب ببنداد. دهه ۹۰ نیز به لطف سیلاب‌ها پر آب شد و مسئولان وقت، آن را نشانه‌ی موفقیت ستاد احیاء دانستند، اما به محض فروکش کردن باران‌ها و آغاز فصل گرما، دوباره نمکزار جای آب را گرفت.

به اعتقاد کارشناسان در هر دو مورد، ما با پدیده‌ای به نام «احیای اتفاقی» روبرو هستیم. آبی که نه با مدیریت هوشمندانه، بلکه با مهر طبیعت (سیلاب‌های فرامرزی در هامون و بارش‌های ناگهانی در ارومیه) وارد حوضه شده است. این جاست که نگاه مثبت ما به تغییر شمایل منطقه، با حقیقت گزندار روبه‌رو می‌شود: وقتی مدیریت پسا سیلاب وجود نداشته باشد، این گلستان چندروزه، پیش‌درآس‌دی بر یک خشکسالی سهمگین‌تر خواهد بود.

کارشناسان محیط‌زیست ساس هاست یک جمله را تکرار می‌کنند: هامون بدون حق آبه زنده نمی‌ماند. وابستگی این تالاب به رودهیرومند، آن را به یک مسأله صرفاً محیط‌زیستی تبدیل نمی‌کند؛

اینجا پای سیاست، امنیت و دیپلماسی وسط است. آنچه امروز هامون را زنده کرده، نه یک توافق پایدار آبی، بلکه یک خوش‌شانسی در چرخه بارش است. در غیاب سازوکار مشخص برای تأمین حق آبه، هر بار ندگی می‌تواند نقش یک مسکن را بازی کند، نه در مان.

واقعیت این است که در سال‌های گذشته، حتی

در دوره‌هایی که آب وارد هامون شد، نبود مدیریت یکپارچه باعث شد این آب به سرعت تبخیر شود یا بدون بهره‌برداری مؤثر از دست برود. نه زیرساختی برای نگهداشت آب به‌روز شد، نه الگوی بهره‌برداری اصلاح شد، و نه فشار مؤثری برای تثبیت حق آبه در سطح دیپلماتیک شکل گرفت.

دیپلماسی آب: حلقه مفقوده هامون

مسأله هیرمند، سال‌هاست میان ایران و افغانستان محل اختلاف است. معاهده ۱۳۵۱ وجود دارد، اما اجرای آن همیشه محل مناقشه بوده. در سال‌های اخیر، با تغییرات سیاسی در افغانستان، این وضعیت پیچیده‌تر هم شده است.

آنچه از بیرون دیده می‌شود، نوعی انفعال مزمن در بیگیری حق آبه است. نه فشار بین‌المللی مؤثری شکل گرفته، نه ابزارهای اقتصادی و سیاسی به‌درستی به کار گرفته شده‌اند. نتیجه‌اش همین می‌شود: تالابی که سرنوشتهش به بارش‌های آن سوی مرز گره خورده است.

می‌گیرند، چاه‌ها همچنان با بحران ذخیره روبرو هستند و تبخیر بی‌رحمانه، حق آبه‌های اتفاقی را می‌بلعد.

در بسیاری از مناطق، حتی وقتی آب سطحی برداشت‌های زیرزمینی ادامه پیدا می‌کند، این یعنی تخریب دو گانه: هم آب‌های زیرزمینی از بین می‌روند، هم تالاب‌ها فرصت احیا پیدا نمی‌کنند. در حوضه ارومیه، در حالی که میلیاردها تومان صرف‌تولن‌های انتقال آب شده، هزاران چاه غیرمجاز همچنان شیره‌ی جان زمین را می‌مکند و باغات تشنه، هر قطره آب رسیده به دریاچه را بیش‌خو می‌کنند. در سیستان نیز، فقدان شبکه‌مدرن توزیع و هدررفت آب در کانال‌های سنتی، عملاً کارایی سیلاب‌های ورودی را به حداقل می‌رساند.

در واقع ما با حاکمیتی در حوزه آب مواجهیم که در زمان خشکی، وعده‌ی احیا می‌دهد و در زمان بارش، با افتخار سلفی می‌گیرد، اما برای «سده‌های غیرمجاز» و «اصلاح الگوی کشت» قدم نمی‌دارد.

دریاچه ارومیه نمونه‌ای از یک مدیریت غلط

برای فهم بهتر سرنوشته احتمالی دریاچه جنوب‌شرقی کشور کافی است به شمالغرب کشور نگاه کنیم؛ به دریاچه‌ای که سال‌هاست میان احیا ناپودی معلق مانده: دریاچه ارومیه.

ارومیه هم بارها «زنده شده»، هر بار با بارش‌های خوب، تراز آب بالا رفته، تصاویر ماهواره‌ای امید ساختند، و مسئولان از «موفقیت طرح‌های احیا» گفته‌اند. اما چند ماه بعد، همان داستان تکرار شده: تبخیر، برداشت، و بازگشت به نقطه اول.



روزه، در نقطه‌ای حساس ایستاده و هر اقدام تأخیردار می‌تواند نسل جدید را با آسیب‌های ماندگار روبه‌رو کند.

پایان باز نیست؛ آغاز دوره‌ای جدید از مسئولیت

جنگ به آتش بین شکننده بسیده است، اما اثرات آن هنوز ادامه دارد. تخریب ۱۱ مدرسه و آسیب ۱۴۸۹ واحد آموزشی تنها آغاز نیست؛ روایت از دست‌رفتن بخشی از حافظه جمعی و دارایی اجتماعی یک ملت است. اکنون مسئولیت بازسازی نه فقط بازسازی ساختمان‌ها، که بازسازی امنیت روانی، امید و زندگی در مدارس ایران است؛ مسئولیتی که بار آن بر دوش همه ساختارهای حاکمیتی و اجتماعی سنگینی می‌کند و چشم‌های کودکان در مناطق جنگ‌زده، هر روز متحقق آن را انتظار می‌کشند.

چشم‌انداز بازسازی: راهی طولانی در پیش است

سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس اکنون با گسترده‌ای از اولویت‌های فوری روبه‌روست، از بازسازی کامل واحدهای تخریب‌شده تا ایمن‌سازی و بازتوانی فضاهای نیمه‌ویران. حجم خسارت در ۲۲ استان کشور، برنامه‌ای ملی برای مرمت و نوسازی را ضروری کرده است. با وجود بازگشت بخشی از مدارس به چرخه آموزشی، واقعیت این است که آموزش کشور پس از جنگ ۴۰

در چنین شرایطی، هر بارندگی می‌تواند

امید بسازد، اما هیچ چیز را تضمین نمی‌کند. این یعنی «امنیت آبی» منطقه، عملاً خارج از کنترل سیاست‌گذاری داخلی است؛ وضعیتی که اگر اسمش بحران نباشد، دست‌کم یک هشدار جدی است.

وقتی چاه‌ها از تالاب پیشی می‌گیرند

اگر همه تقصیر را گردن همسایه ببندازیم، بخش مهمی از واقعیت را نادیده گرفته‌ایم. در داخل، مدیریت منابع آب وضع بهتری ندارد. حفر بی‌رویه چاه‌ها، نبود کنترل بر برداشت‌های زیرزمینی، و الگوهای کشاورزی ناپایدار، فشار مضاعفی بر منابع وارد کرده‌اند.

در حالی که مردم سیستان جشنی آب

۱۱ مدرسه که دیگر وجود ندارند

در میان آمارها، جمله‌ای کوتاه‌اما سهمگین تر از باقی ایستاده است: «تخریب کامل ۱۱ مدرسه». از دست رفتن یک مدرسه، تنها خرابی یک ساختمان نیست؛ پایان یک زیست‌جهان کوچک است. کلاس‌هایی که هر صبح با صدای زنگ جان می‌گرفت، حیاط‌هایی که جای بازی و زندگی بود، و تخته‌هایی که امی‌دا هر روز دوباره می‌نوشته‌اند، اکنون وجود خارجی ندارند. این ۱۱ مدرسه، نماد فاجعه‌ای‌اند که در آن کودکان نخستین قربانیان بی‌دفاع‌اند.

روایت انسانی از بازسازی: بازگشت بازخم‌های باز

بازگشت ۹۶۹ واحد آموزشی به چرخه آموزش، معنایش بازگشت کامل به وضعیت عادی نیست. بسیاری از این فضاها با تعمیرات اضطراری، سقف‌های موقت، کلاس‌های فشرده و تجهیزات حداقلی دوساله ترمیم شده‌اند. صندلی‌ها هنوز گوشه‌هایشان بوی دود و خاک می‌دهد و دیوارهایی که با هر لرزشی، کودکی را به یاد روزهای حمله می‌اندازند. تخریب مدرسه، ضربه‌ای هم‌زمان به روند آموزش، امنیت روانی و انسجام



صدای موتور قایق‌ها و شکافته شدن آب میان نیزارهای کوه خواجه، تنها یکپاتفاق هیدرولوژیک نیست؛ این خوش‌طنین‌ترین ترین موسیقی متن زندگی برای مردمی است که ۱۲ سال جز غبار نیلعبده‌اند. پس از یک دهه خشکی مطلق، هامون، سیستان بار دیگر جامه آبی بر تن کرده است.

صحنه‌هایی که در روزهای اخیر در شمال سیستان و بلوچستان می‌بینیم، بازگشت به سال ۱۳۹۳ است؛ زمانی که برای آخرین بار، پهنه‌ی تالاب چنان عمقی یافت که ساکنان محلی توانستند قایق‌های خاک‌رفته‌شان را به آب ببنداد. تماشای قایق سواری در هامون، تصویری است از یک امید نایاب در این روزهای سخت. نسیمی که هوای منطقه را تلطیف کرده و کانون‌های بر خاستن ریزگرد را به زیر آب فرو برده است.

اما پشت این تصویر امیدوارکننده، بر سرشی قدیمی و آزاردهنده ایستاده: آب‌این فقط یک «معجزه فصلی» دیگر است یا نشانه‌ای از تغییر واقعی در حکمرانی آب؟ تجربه تلخ دریاچه ارومیه می‌گوید نباید زود خوشحال شد!

بازگشت صدها سرزمین سکوت

در سیستان، آب فقط یک عنصر طبیعی نیست؛ معادل زندگی است. سال‌هایی که هامون خشک بود، فقط یک تالاب از بین رفت، یک شیوه زیست فروپاشید. حالا ما با بارش‌های اخیر و ورود سیلاب‌ها، تصویر تغییر کرده: قایق‌هایی که سال‌ها خاک می‌خورند دوباره به آب افتاده‌اند، پرندگان بازگشته‌اند و باد، به جای خاک، بوی آب می‌آورد.

برای مردمی که سال‌ها با یادهای ۱۲۰ روزه (که

صحنه‌هایی که در روزهای اخیر در شمال سیستان و بلوچستان می‌بینیم، بازگشت به سال ۱۳۹۳ است؛ زمانی که برای آخرین بار، پهنه‌ی تالاب هامون

چنان عمقی یافت که ساکنان محلی توانستند قایق‌های خاک‌رفته‌شان را به آب ببنداد. ند

گزارش

آمار ویرانی جنگ بر بیکره آموزش کشور ۱۱ مدرسه ایران کامل محوشد

تنها در ۴۰ روز جنگ، بیکره آموزش ایران چنان زخمی شد که بازگشت آن مدت زمان زیادی را می‌طلبد؛ ۱۱ مدرسه به‌طور کامل از میان رفتند، ۱۴۸۹ واحد آموزشی در ۱۵۳ منطقه از ۲۲ استان آسیب دیدند و سایه ویرانی هنوز بر دیوارهای کلاس‌های بازسازی‌شده سنگینی می‌کند. به گزارش رکنک، جنگی که از نیم‌اسفندماه ۱۴۰۴ آغاز شد و در ۹ فروردین ۱۴۰۵ به آتش‌بس رسید، تنها ۴۰ روز طول کشید، اما در همین بازه کوتاه، بر بیکره آموزش کشور زخم‌هایی نشاند که شاید سال‌ها ترمیم آن زمان ببرد. اکنون در میانه اردیبهشت، هنوز خاکستر مدارس نیمه‌ویران در برخی استان‌ها از زمین پاک نشده است.

آمارهای تلخ از ویرانی زیرساخت‌های آموزشی

بر پایه اعلام معاون وزیر و رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور، در جریان این جنگ، هزار و ۴۸۹ مدرسه و واحد آموزشی در سراسر کشور در معرض آسیب قرار گرفت؛ بخشی در حد ترک‌های گسترده، بخشی با تخریب جدی و شماری نیز به‌طور کامل از دست رفتند. از این میان، تنها ۹۶۹ واحد آموزشی توانسته‌اند پس از بازسازی اولیه به چرخه آموزش بازگردند.

گستره جغرافیایی خسارت: ۱۵۳ منطقه و ۲۲ استان درگیر

این جنگ ۴۰ روزه در سطحی گسترده‌تر از انتظار به مدارس آسیب زد. طبق داده‌های رسمی، ۱۵۳ منطقه آموزشی در